

ماجرای عشق و عاشقی میدون

راننده‌ها سکنه کردند



پوریا عالمی

● ما نه به دلیل آلودگی هوا، نه به دلیل پهباد، نه به دلیل روغن پالم، نه به دلیل آب آلوده، نه به دلیل غیراستانداردبودن خودروهای داخلی، نه به دلیل فشار اقتصادی، نه به دلیل کاف‌های تیم ملی فوتبال، نه به دلیل برنامه‌های روی اعصاب صداوسیما، نه به دلیل گشت ارشاد، نه به دلیل سقوط شهاب‌سنگ به زمین ... نه، ما به هیچ‌کدام از این دلایل تا حالا نه سکنه کرده‌ایم، نه اصلا ککمان گزیده است.

ما به اینها و بدتر از اینها هم عادت کردیم. شاید بپرسید پس چی ما را سکنه می‌دهد؟ راستش را بگوییم؟ تیت‌رهای یک روزنامه و گزارش‌های یک خبرگزاری و چندسایت دیگر. شاید بپرسید آیا ما فعالیت سیاسی داریم که این‌قدر نگران هستیم؟ باید بگوییم خیر. منتها مسئله اینجاست، توی جنگل یک خرسی داشت می‌دوید، ازش پرسیدند چی شده؟

گفت چندنفر آمده‌اند هر خرسی که سه‌تا دندان داشته باشد، می‌گیرند و سروته اویرانش می‌کنند و قلقلکش می‌دهند. به خرسه گفتند خب تو مگه سه‌تا دندان داری؟

خرسه گفت: نه. دندان هام درسته. مشکل اینجاست که اینها اول سروته می‌کنند و قلقلک می‌دهند بعد دندان‌هایت را می‌شمارند.

حالا هم خبرگزاری موردنظر دیروز این گزارش را منتشر کرده:

«زندگی «علیرضا منفرد» از زوایای بسیاری به زندگی «بابک زنجانی» مشابهت دارد. آن‌قدر که حتی شاید بتوان گفت در ایران مسیر درگیرشدن در اتهامات نفتی از شغل رانندگی می‌گذرد. بابک زنجانی راننده رئیس کل اسبق بانک مرکزی بوده، علیرضا منفرد نیز در سال‌های اول ازدواجش راننده یکی از مدیران میانی دولت بوده است».

دیدید؟ حالا ما چندوقت است برای اینکه پولی به دست بیاوریم داریم شب‌ها روی ماشین کار می‌کنیم و این اواخر هم رفیق اسنپ عضو شیم.

تابلودار است که به قول این خبرنگاری در «مسیر درگیرشدن در اتهامات نفتی» قرار داریم. اصلا همین بابای سوفیا که چشم‌پسته هرچی ۳۰:۲۰؛ و اینا بگویند باور می‌کنند، مطمئنم به ما دختر نمی‌دهد و می‌گوید تو متهم نفتی هستی. ای رانندگان تاکسی، ای در مسیر اتهامات نفتی، به نظر مراقب باشید و از کنار بروید.



توضیح و پوزش

● روز گذشته در گفت‌وگویی از آقای عباس عبدی، کلمه «مسی» به اشتباه تغییر کرده است که به این وسیله از ایشان و خوانندگان محترم عذر می‌خواهیم.

توضیح آقای عبدی در ادامه می‌آید:

محسن و موشی!

متأسفانه در متنی که در روزنامه «شرق» منتشر شده، کلمه مسی به معنای بدکار تبدیل به کلمه موشی! شده و خبرنگار محترم هم اطلاع دادند که این تغییر از جانب ایشان نبوده است و شاید در بخش تصحیح رخ داده است. ولی جالب‌ترین بخش ماجرا این است که همین جمله غلط در سایتی به‌این‌صورت تیت‌ر شده است که: «عبدی: سیل محسن و موشی را با هم می‌برد!» و ظاهرا آنان هم متوجه ماجرا نشده‌اند. البته این اتفاق به من آموخت از اصطلاحات ویژه و نامتعارف در نوشته‌های روزنامه‌ای کمتر استفاده کنم.

چه بود؟ این تیر بی‌رحم از کجا آمد؟

که غمگین باغ بی‌آواز ما را باز

در این محرومی و عربیانی پاییز

بدین‌سان ناکهان خاموش و خالی کرد

اخوان‌نالت

آزاده و سیاوش عزیز خانواده محترم اخلاقی

واقع‌ه چنان دردناک بود که باید آن را فاجعه نامید، اما دل‌های ما در این روزهای تلخ همراه شمامست. امید که در این غم بزرگ مصبور باشید.

فرزانه طاهری، باربد گلشیری، پگاه آهنگرانی مسعود باستانی، صالح تسبیحی، فروه فاموری

شترت روزنامه

پنجشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۵ • ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۱۹ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۸۱ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۷:۳۸ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

روزنفرها

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com



زیست‌شناسان یک گونه جدید حشره را به نام دونالد ترامپ، نامگذاری کرده‌اند!



دیدگاه

آیا استارباکس تجربه می‌آفریند



ویدید شامخی*

اغلب سازمان‌ها به صورت جداگانه به مقوله فرهنگ (اخلاق) و استراتژی می‌پردازند و تلاش می‌کنند که مشکلات فرهنگی را رفع کنند؛ برنامه‌هایی در نظر می‌گیرند، اما در بیشتر مواقع، این برنامه‌ها فارغ از اهداف استراتژیکشان است. یکی از مثال‌های متفاوت و موفق در ایجاد تعادل میان فرهنگ سازمانی و استراتژی‌ها، کافی‌شاپ‌های زنجیره‌ای استارباکس است. می‌گویند استارباکس تجربه می‌آفریند؛ تجربه یک حس خوب که نه منزل است و نه محل کار! ممکن است فکر کنیم که لابد با پرسنلش شرط می‌کند که باید با مشتری خوش‌اخلاق باشید! اما اگر مسئله تنها همین بود، بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌های دیگر هم همین را می‌گویند، اما چرا به اندازه استارباکس در این موضوع موفق نبوده‌اند؟ بررسی‌های آقای لینواند و خانم دیویدسون (۲۰۱۶) حاکی از آن است که افرادی که پرسنل استارباکس هستند به‌خوبی درک می‌کنند که فعالیت تک‌گشنان چگونه در رسیدن به هدف مشترک شرکتشان نقش دارد و این کار را بدون پیروی از یک دستورالعمل مشخص انجام می‌دهند. پرسنلی که استخدام می‌شوند از همان ابتدا شریک خوانده شده و در شعبه‌های آمریکا، حتی به پرسنل پاره‌وقت، گزینه سهام به‌جای دستمزد و بیمه سلامت پیشنهاد می‌شود. درحالی‌که خیلی از شرکت‌ها سعی

پیشنهاد

یادمان «گل‌آقا» برگزار می‌شود

مراسم یادمان کیومرث صابری قومی (گل‌آقا) در فومن برگزار می‌شود. این مراسم پنجشنبه، ۱۴ بهمن، در سالن آمفی‌تاتر مجتمع فرهنگی و هنری سیدالشهدا (ع) دراداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان فومن برگزار می‌شود. علی مرادخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمود دعایی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات و شاعران طنزپرداز رضا رفیع، اکبر اکسیر، فرامرز رحبان صفت و قاسم پهلوان ازجمله مهمانان ویژه این مراسم هستند. این برنامه از سوی معاونت هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان با هدف بررسی رویکرد فرهنگی طنز گل‌آقا در ارتقای سیاسی و اجتماعی جامعه برگزار می‌شود.



عبدالله نامری

اگرچه در دو مقطع تاریخی مهم یعنی در دوران احمدی‌نژاد- که دولت ایشان سعی وافری در دیپارگی جامعه داشت- و در مقطع حساس سال ۸۸، طرح آشتی ملی مطرح شده بود، این بار، پس از رحلت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، «آشتی ملی» به عنوان یکی از اصلی‌ترین و جدی‌ترین دغدغه‌های جامعه امروز ایران مطرح شده؛ البته نه‌فقط از سوی نخبگان سیاسی کشور بلکه از سوی همه گروه‌ها و جناح‌های مختلف. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نیز یکی از چهره‌هایی بود که در همان خطبه نماز جمعه مشهور، جامعه را به وحدت و دوری از چندقطبی‌شدن که منازعات سیاسی و فرهنگی خاص خود را در پی دارد، دعوت می‌کرد و حالا این دغدغه از سوی دیگر دلسوزان نظام، باز مطرح

واکنش

درباره‌مسئوردومین حکم شلاق برای یک خبرنگار

ازوزارت‌ارشاد ومجموعه‌دولت‌متعجبم



علی‌اکبر قاضی‌زاده

دومین حکم شلاق برای یکی دیگر از اهالی مطبوعات کشور صادر شد؛ این بار در شاهرود و عجیب است که نه ما مطبوعاتی‌ها و نه مسئولان دولتی، قدیمی برای حل این پدیده که انکار دارد به رویه بدل می‌شود، برنمی‌داریم. در سه دهه اخیر، بارها درباره لزوم داشتن یک اتحادیه برای صنف مطبوعات سخن گفته‌ام. بارها گفته‌ام که ما نیز مانند دیگر اصناف، به یک اتحادیه نیازمندیم که قانونا ملزم به پیگیری امور صنفی اعضای خود باشد. انجمن‌ها، تعاونی‌ها و کانون‌هایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، در نوع خود گرمای و محترم هستند؛ اما تا این صنف به توانایی تشکیل یک اتحادیه قوی و متحد نرسد، نمی‌توان از دیگر نهادهای مشابه، توقع داشت در چنین بزنگاه‌هایی وارد عمل شوند و حامی مطبوعاتی‌ها باشند؛ پس باید پرسید که چه گروه یا افرادی جز اهالی صنف مطبوعات، وظیفه دارند در راستای دفاع از حقوق رسانه و فعالان آن، قدم پیش بگذارند؛ هیئت نظارت بر مطبوعات؟ وزارت ارشاد؟ نهادهای دولتی در حوزه کار؟ اما تعجب من از وزارت ارشاد و مجموعه دولت است، تصورم بر این بود که با اجرای حکم شلاق برای خبرنگار نجف‌آبادی- به‌عنوان نمونه اول- تکانی جدی به این وزارتخانه وارد شود و تکرار این اتفاق نشوند؛ اما حالا نمونه دوم هم رخ داده و اینجاست که اگر بخواهم خیلی خودمانی وضع مطبوعاتی‌ها را توصیف کنم، باید بگویم که ما برای خودمان کاری نکرده‌ایم. من بیش از هر گروه دیگری، اعضای صنفمان را مقصر می‌دانم؛ چراکه این ما هستیم که به خودمان- بیش از نه‌ها و مرجع دیگری- نیاز داریم و باید خودمان را بگیریم؛ ولی شاید به گمان اینکه این آسیاب به نوبت نیست و سرانجامی شبیه خبرنگار نجف‌آبادی و حالا شاهرودی، پیدا نخواهیم کرد، دست روی دست گذاشته‌ایم.

باور کنید که خیلی زمان نگذشته از روزهایی که کسی جرئت چنین مواجعه‌ای با خبرنگاران را نداشت. باور کنید هم‌گرایسی، تعهد به کار و... مطبوعاتی‌ها در آن روزها به حدی بود که صنف دیگر به این باور رسیده بودند که حیات‌شان به مطبوعات وابسته است و در صورت پایکوت خبری گسترده، به مشکل جدی در اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی فعالیت‌های خود مواجه می‌شوند؛ اما حالا حتی بخش‌های زیرمجموعه دولت از خبرنگاران شکایت می‌کنند، دادگاه‌ها برگزار و حکم صادر و اجرا می‌شود؛ اما از دولت خبری نیست.

ادامه این روند، باعث می‌شود که روحیه نقد در جامعه از بین برود و رسانه‌ها برخلاف نص صریح قانون در بین عقاید خود، احساس آزادی نداشته باشند. آقای رئیس‌جمهوری، با آن همه قول و قراری که با اهالی رسانه گذاشتید، از شما می‌پرسم که این قصه تلخ تا کی و کجا قرار است ادامه پیدا کند؟

در روزهای گذشته، در جریان برگزاری مراسم یادمان کیومرث صابری قومی (گل‌آقا) در فومن، برخی از اعضای هیئت مدیره و مدیران ارشد سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان فومن، با خبرنگاران و فعالان فرهنگی و هنری، دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار، آقای علی مرادخانی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با آقایان کیومرث صابری قومی (گل‌آقا) و کیومرث صابری قومی (گل‌آقا) دیدار و گفت‌وگو کردند. آقای مرادخانی، در این دیدار، از تلاش‌های آقای گل‌آقا در زمینه فرهنگ و هنر، تقدیر کرد و از همکاری‌های آقای گل‌آقا با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تشکر کرد. آقای گل‌آقا، در این دیدار، از حمایت‌های آقای مرادخانی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تشکر کرد و از تلاش‌های خود در زمینه فرهنگ و هنر، گفت‌وگو کرد.	شلاق بر تن خبر
شلاق بر تن خبر	شلاق بر تن خبر

سلام به فردا

«آشتی ملی»؛دغدغه‌ایرانِ پس‌ازهاشمی

برای تسهیل و تسریع در انجام امور زیرساختی در حوزه فرهنگ و جامعه بیشتر و بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، پس از برجام، کشور ما در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه حساس و خاصی پیدا کرده که می‌توان با آشتی ملی، قدرتمندانه‌تر با مسائل روبرو شد. اگر حاکمیت به معنای قوای سه‌گانه چنین اراده‌ای داشته باشد که به سمت آشتی ملی حرکت کند، پاسخ‌گوی یکی از جدی‌ترین مطالبات بخش عظیمی از گروه‌ها و افراد مختلف در جامعه خواهد بود چراکه امروز دیگر نه‌فقط اصلاح‌طلبان و اصولگرایان بلکه حتی در میان حوزویان و جریان‌های سنتی و مذهبی نیز، آشتی ملی به عنوان یک دغدغه جدی مطرح شده است. رسانه‌ها اکنون وظیفه‌ای سنگین بر دوش دارند و آن تبیین روند آشتی ملی و شفاف‌سازی درباره آن است تا گروه‌های مختلف با آگاهی بیشتر و مسئولان نظام با علاقه بیشتر به سمت این جریان هم‌گرا حرکت کنند و زمینه عبور از این شرایط دشوار و البته نگران‌های جامعه پس از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را فراهم کنند.

رودررو

بهشتی: در موزه آنچه «هست»، نمایش داده می‌شود

و غیرمنقول، کارکرد موزه‌ای پیدا می‌کند؛ چراکه دالالت‌های تاریخی مهمی دارند و به برهه‌هایی از زمان و مکان شهادت می‌دهند. هر چقدر بتوانیم درباره چهره‌هایی مثل آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که وجهه ملی داشته‌اند، این اشیا و آثار را بیشتر گرد هم آوریم، موزه‌ای موفق‌تر و مقبول‌تر خواهیم داشت.

● به‌تازگی در مصاحبه‌ای عنوان شده موزه‌شدن خانه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برای تغییر ذهنیت مردم درباره ثروت ایشان است. آیا اصلا چنین موزه‌هایی می‌توانند چنین کارکردهایی داشته باشند؟

درباره موزه‌شدن منزل آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، سخنانی گفته شده و به نظر می‌رسد که راه‌اندازی موزه در این مکان، می‌تواند در روزهای آینده به وقوع بپیوندد؛ اما نمی‌توان به‌روشنی مقصود از ایجاد این موزه را بیان و چنین سؤالی را مطرح کرد که آیا رسیدن به این مقصود از طریق چنین ابزاری (ایجاد موزه) امکان دارد یا نه؛ اما واقعیت این است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر موزه‌ای، صداقت آن است. در موزه، همان چیزی که «هست»، به نمایش گذاشته می‌شود. اگر اراده‌اد ایشان در انتقال اشیا به موزه، رعایت اصالت را انجام دهند، موزه در نهایت صدق به بیان آنها خواهد پرداخت.

● تجربه درباره خانه- موزه‌هایی مانند موزه شریعتی، نشان داده که عموم این فضا‌های فرهنگی نمی‌توانند در یک بازه زمانی طولانی، پویایی خود را حفظ کنند و همچنان محل رفت‌وآمد گردشگران و علاقه‌مندان آن شخصیت باشند. چه باید کرد که سرنوشت موزه احتمالی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی این‌طور نشود؟

برای راه‌اندازی چنین موزه‌هایی، باید سه ویژگی را مدنظر قرار داد؛ آشنایی کامل با شخصیت مد نظر، آشنایی کامل با اصول حفاظت و آشنایی و تخصص کافی در امر موزه‌داری. ما در خانه-موزه‌هایی ناموفق بوده‌ایم که این آشنایی‌ها به صورت جداگانه یا در کنار هم، وجود نداشته‌اند. به‌عنوان مثال بد نیست به قضیه خانه انتظامی اشاره کنیم. به یاد دارید که وقتی موزه استاد انتظامی افتتاح شد، ایشان با دیدن آن به گریه افتاد. این واقعه در اصل نوعی هشدار است؛ چراکه ممکن است گاهی ایجاد یک موزه بدون درنظرگرفتن مهارت‌ها و تخصص‌های لازم و آشنایی با منش و جایگاه شخصیت مد نظر نتیجه عکس داشته باشد.

تجربه دیگران

میشل نویسنده کودک می‌شود؟

او را دارای پتانسیل نامزدی برای ریاست‌جمهوری می‌دانند؛ اتفاقی که با شکست «میلارا کلینتون»، سیاستمدار زن سفیدپوست، کمی دور از دسترس به نظر می‌رسد. هرچند تحلیلگران اوج ناامیدی مردم آمریکا بعد از چهار سال ریاست‌جمهوری ترامپ را یکی از دلایل افزایش میزان محبوبیت میشل اوپاما می‌دانند و او در این دوران می‌تواند محبوبیت خود را حفظ و حتی بالاتر ببرد. اما میشل اوپاما پس از خروج از کاخ سفید قرار است یک دفتر کوچک را اداره کند. مدتی‌حال یک استراحتی به خود بدهد. او در در این پست‌های او را در مدت حضورش در کاخ سفید آغاز کرده‌ای. او برای گسترش آموزش و تعلیم و تربیت و سلامت دختران در مناطق محروم جهان از جمله آفریقا تلاش می‌کرده است. اما ملیسا وینتر، رئیس دفتر میشل اوپاما، به واشنگتن‌پست گفت: از اولین کارهایی که قرار است میشل اوپاما انجام دهد، نوشتن خاطرات حضورش در کاخ سفید است. هرچند به عقیده وینتر؛ «میشل اوپاما می‌تواند یک نویسنده فوق‌العاده کودکان باشد. او برای این ماجرا برنامه‌ریزی نکرده، هرچند از نظر او بهترین و اولین کار این است که اوپاما و خانواده استراحتی بکنند و بتوانند به‌عنوان یک شهروند حریم شخصی خود را بازپایند.

شده تا هم بازگوکننده یکی از واپسین آرزوهای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برای ایران پس از خود باشد و هم بازگوکننده ضرورت‌ها و نیازهای جامعه امروز. از این درجه، فوت ایشان را می‌توان سرفصل جدیدی در طرح این ضرورت و اقتضای تاریخی دانست چراکه اگر تا پیش از رحلت ایشان، اصولگرایانی بودند که چندان مدافع ایده «آشتی ملی» به حساب نمی‌آمدند، امروز از تمام طیف‌ها و جریان‌ها، صدای طلب‌کردن آن را می‌شنویم تا جایی که حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی، هم بعد از درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، اظهار امیدواری کرده که این درگذشت، منشأ یک وحدت ملی باشد. علاوه بر نقش کلیدی این رخداد تاریخی تلخ در اهمیت‌یافتن موضوع آشتی ملی، به نظر می‌رسد شرایط درونی (اجتماعی) و بیرونی و بین‌المللی کشور نیز این مهم را به یک الزام تاریخی بدل کرده است. به اعتقاد جامعه‌شناسان و دلسوزان فرهنگی و اجتماعی کشور، امروز در یک شرایطی قرار داریم که نیاز جامعه را به آشتی ملی

اشاره کرده است.

● آیا برای تبدیل خانه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به یک موزه به پیش‌شرط‌های ساختاری در کیفیت و معماری خانه نیازاست؟

اختصاص در حوزه خانه‌ها و عمارت‌های تاریخی، این شأن ملی اثر است که می‌تواند آن را نامزد بدل‌شدن به موزه کند. شاهد این روند، خانه چهره‌های سیاسی تاریخ معاصر کشور است که از یک سو در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده‌اند و از سوی دیگر برخی از آنها به سمت موزه‌شدن پیش رفته‌اند. در این سال‌ها، شاهد ثبت خانه افرادی مانند شهید بهشتی، آیت‌الله طالقانی و شهید رجایی در فهرست آثار ملی بوده‌ایم و ازاین‌میان، خانه شهید بهشتی و شهید رجایی به‌عنوان نمونه، بدل به موزه شده‌اند. شرایطی است که می‌تواند به‌روشنی نشان دهد هست که هم به ثبت رسیده و هم موزه شده‌اند؛ مثل خانه مرحوم شریعتی.

● با این تفاسیر، صرف جایگاه سیاسی شخصیتی مانند آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برای موزه‌شدن خانه ایشان کافی است؟

از میان ویژگی‌هایی که برای موزه‌شدن این خانه‌ها مطرح است، می‌توان به اهمیت بنا و اشیای داخل خانه و جایگاه شخصیت مد نظر اشاره کرد. خانواده دراین‌میان وظیفه‌ای سنگین دارد. به هر میزان که در تجهیز موزه همراهی کنند، بازدیگندگان بهتر و دقیق‌تر با شخصیت مد نظر آشنا خواهند شد. در چنین شرایطی است که خانه- موزه می‌تواند به‌دروستی شهادت دهد که آن شخصیت با چه کیفیتی در چه مکانی زندگی می‌گذرانده و آموزه‌های او برای زیست دیگران، چه پیام‌هایی دارد. نمونه چنین کارکردهایی را می‌توان در خانه امام در جماران دید. این خانه در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده و به‌عنوان موزه‌ای صادق بازتاب‌دهنده ویژگی‌های شخصیتی و سیره زندگی امام راحل است.

● در چنین خانه- موزه‌هایی چه اشیایی نگهداری می‌شوند و چرا؟

در مراحل ایجاد چنین موزه‌هایی، اشیای منقول